

گزارش اختلال گفتار وسیع در یک بیمار مبتلا به اسکیزوفرنیای پارانوئید

دکتر علیرضا مغفاری نژاد^۱

خلاصه

واژه‌سازی و استفاده از کلمات موجود با مفاهیم شخصی یکی از اختلالات غیر شایع زبان می‌باشد که از دیرباز به عنوان اختلالات فکر و گفتار بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا شناخته شده است. در مرور مقالات و متون موجود مثال‌های زیادی در دست نمی‌باشد. در این مقاله به گزارش یک بیمار مبتلا به اسکیزوفرنیای پارانوئید با اختلالات وسیع گفتاری پرداخته شده و در رابطه با واژه‌های ساخته شده، واژه‌های موجود که با مفاهیم شخصی استفاده می‌شده‌اند و سایر اختلالات زبانی وی بحث شده است.

واژه‌های کلیدی: اسکیزوفرنیای پارانوئید، واژه‌سازی، اختلال گفتار

۱- استادیار روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی کرمان

مقدمه

در مطالعاتی که با تجزیه و تحلیل گفتار در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا صورت گرفته، نشان داده شده است که حداقل در گروهی از آنها در مقایسه با افراد سالم، گفتار از پیچیدگی کمتری برخوردار بوده، استفاده از جملات سازمان یافته کمتر بوده و اشتباهات تجزیه‌ای و ترکیبی بیشتری وجود دارد (۱۰). به علاوه ممکن است بیمار دچار اختلالاتی در گویش زبان گردد که صحبت وی را غیر قابل فهم سازد. یکی از دلایلی که صحبت بیمار را غیر قابل فهم می‌سازد استفاده از نماد سازی شخصی (Private symbolism) است که تقریباً در تمام بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا اتفاق می‌افتد. یکی از انواع نمادسازی شخصی، ساختن واژه‌های تازه (Neologism) است. این واژه‌ها معانی شخصی داشته و تنها برای خود فرد مفهوم می‌باشند. این کلمات اغلب از ترکیب بخش‌های سایر کلمات به وجود آمده (۱۱) و ممکن است برای بیان احساسات و تجربیات خاص و منحصر به فرد بیمار به کار روند (۴). نوع دوم از نمادسازی شخصی استفاده از لغات و عبارات موجود با معنایی شخصی و نمادین است (۱۰). منابع موجود در ارتباط با اختلالات زبان به خصوص نئولوژیسم، در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا زیاد نیست و علت آن احتمالاً کمی موارد می‌باشد. در این گزارش یک بیمار مبتلا به اسکیزوفرنیای پارانوئید با اختلالات وسیع گفتاری به خصوص نئولوژیسم معرفی شده و به بحث در خصوص علایم گفتاری وی پرداخته شده است. شرح حال با استفاده از مصاحبه‌های مکرر انجام شده، بازبینی نوار ویدئویی و مطالعه اعلامیه‌هایی که بیمار نوشته و پخش نموده بود تهیه گردید.

گزارش بیمار

مردی ۳۹ ساله، مجرد، اهل و ساکن کرمان، دیپلم و دانشجوی انصرافی رشته اقتصاد، نایب‌نای مادرزاد که قبلاً تلفنچی یکی از ادارات بوده و در هنگام بستری، ترک خدمت نموده و بیکار بوده است، به علت چند ماه خروج بدون اطلاع قبلی از خانه و استفاده از کلمات و جملات غیر قابل فهم و پخش اعلامیه به بیماران ارجاع گردیده و بستری شد. شروع بیماری نامبرده به چهار سال قبل از اولین پذیرش در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ بر می‌گردد. وی در آن زمان، در شهر محل تحصیل اقدام به فروش خانه خود به نصف قیمت روز نموده و پول آن را صرف تکثیر اعلامیه‌های سیاسی، اقتصادی خود جهت آگاهی مردم و بهبود اوضاع کشور می‌نماید. در همان سال به تصور آن که یک نفر دکتر چشم پزشک نقشه‌ای طرح نموده تا وی با خواهر پزشک او ازدواج

نماید، دچار این اعتقاد می‌گردد که بایستی با این زن پزشک ازدواج نماید تا توسط او چشم‌هایش معالجه شود. در نهایت به علت مزاحمت‌هایی که برای آن زن به وجود می‌آورد، به جرم مزاحمت و هتک حرمت به ۲۰ ماه زندان و یک سال تبعید محکوم می‌گردد. وقتی علت زندانی شدن از خود بیمار پرسیده می‌شود اظهار می‌دارد چون مادرم را به خواستگاری نفرستادم فکر کردند که می‌خواهم تقلب نمایم و به همین علت زندانی شدم. بعد از اتمام دوره زندان، شروع به نامه‌نگاری به مراجع قضایی و دادستان کل کشور می‌نماید. در این نامه‌نگاری به طور مرتب از لغات خود ساخته استفاده می‌نمود و یا کلمات موجود را با معنای شخصی به کار می‌برد. جملات این نامه‌ها اغلب به قدری نامفهوم بودند که تنها با تفسیر خود بیمار قابل درک می‌شدند. در آن نامه‌ها درخواست طلاق از همسری می‌گردد که هرگز با وی ازدواج نکرده بود. قسمتی از یکی از نامه‌های وی به شرح زیر می‌باشد.

باد شاخص (اسم بیمار) متولد آجیل (سال تولد بیمار) جهت نداشتن رضایت از والده جمیله خود توسط زن و دکتر خود نیما دُرّیه طوبی ساغر (اسم) شُبلُی شدم... و هم اکنون با تقدیم سلام و درود فراوان و عرض ادب خدمت حضور و شرف مسؤولین محترم قوه قضاییه یا بحران و فُرجه خَکیمه بالاخص دادستان کل کشور یا قیصر تام سجده خواهشمندم به دادخواست یا التماسیه فرزند و سرباز سیبوه خود (اسم بیمار) در اسرع وقت رسیدگی فرمایید و صیغه طلاق یا بلبل فراق را بخوانید... (معنی: اینجانب... متولد سال... جهت نداشتن رضایت از مادر خود، توسط زن و دکترم... زندانی شدم... و هم اکنون با تقدیم سلام و درود فراوان و عرض ادب خدمت مسؤولین محترم قوه قضاییه بالاخص دادستان کل کشور، خواهشمندم به دادخواست فرزند خود در اسرع وقت رسیدگی فرمایید و صیغه طلاق را بخوانید...)

بیمار در نامه‌ها و گفتار خود علاوه بر واژه‌سازی و استفاده از کلمات با لفظ قلم صحبت می‌نمود. گاهی برای یک کلمه چندکلمه معادل ساخته، در محل‌های مختلف، از کلمات متفاوت استفاده می‌نمود و یا تمام کلمه‌هایی را که به جای کلمه خاص به کار می‌برد، پشت سر هم استفاده می‌نمود. به عنوان مثال در جملات بالا جمیله معادل والده و بعد از آن نوشته شده و یا دو کلمه نیما و دُرّیه معادل زن و دو کلمه طوبی و ساغر معادل دکتر بوده و هر چهار کلمه بعد از عبارت زن و دکتر خود... تکرار گردیدند. اکثر کلمات ساخته شده مربوط به مفاهیم قضایی و ازدواج بود.

بیمار اعتقاد داشت مادر و برادرش می‌خواهند وی را قطعه

سابقه سوء مصرف مواد وجود نداشت. در معاینه فیزیکی و عصبی یافته مثبتی وجود نداشت و سی تی اسکن انجام شده طبیعی بود. بیمار تا تاریخ ۲۳/۲/۷۶ جمعاً به مدت پنج مرتبه به ترتیب برای مدت ۵۰ روز، ۵۶ روز، ۴۰ روز، ۵۰ روز و ۵۲ روز در بیمارستان بستری بود. علایم در هیچکدام از پذیرش‌های بیمارستانی وی تفاوتی نداشت اما در فواصل بستری کمتر از لغات خود ساخته و معانی شخصی استفاده می‌نمود و تنها یک بار بین پذیرش چهارم و پنجم اقدام به پخش اعلامیه نموده بود. مصرف نکردن داروهای تجویز شده و افزایش شدت علایم، علت پذیرش‌های مکرر نامبرده در بیمارستان بود. در نوبت اول دوازده جلسه ECT و روزانه ۱۵ میلی‌گرم تری‌فلوئوپرازین و ۶ میلی‌گرم تری‌هگزیزفنیدیل تجویز شده بود که باعث کاهش نسبی شدت علایم گردید. در نوبت دوم و سوم تنها تری‌فلوئوپرازین و تری‌هگزیزفنیدیل تجویز گردید که به علت پیدایش علایم لرزش و پایداری نسبی علایم در نوبت چهارم و پنجم تا روزانه ۳۰۰ میلی‌گرم کلوزاپین تجویز گردید که پاسخ درمانی به این دارو بهتر از تری‌فلوئوپرازین و تری‌هگزیزفنیدیل نبود. هیچکدام از درمان‌های فوق باعث از بین رفتن هذیان‌ها و پیدایش بینش نسبت به بیماری نشدند. از زمان آخرین بستری بودن تا هنگام نگارش مقاله (آبان ۷۷) برای پی‌گیری درمان مراجعه ننمود و یک مرتبه که مددکار اجتماعی بیمارستان برای پی‌گیری به منزل وی مراجعه نمود به سفر رفته بود.

بحث

وجود هذیان‌گزند و آسیب (قصد خانواده برای مثله نمودن بیمار)، هذیان عجیب (قصد برادر بیمار برای پیوند آلت تناسلی وی به خودش) و اختلالات تفکر شامل گسستگی تداعی‌ها و واژه‌سازی که به مدت بیشتر از دو سال ادامه داشته، به همراه افت محسوس در عملکرد کاری بیمار بر اساس ضوابط تشخیصی DSM IV، تشخیص اسکیزوفرنیای پارانوئید مزمن را برای وی مطرح می‌سازد. با توجه به طبیعی بودن قدرت شناختی، نبودن اختلالات فیزیکی و عصبی و سی تی اسکن طبیعی و نداشتن سابقه منفی برای سوء مصرف مواد، احتمال وجود هر نوع اختلال ارگانیک در بیمار رد می‌شود. در تکلم بیمار ویژگی‌های زیر مشاهده شد:

نخست آن که بیمار مفاهیم خاص ذهنی و پیشنهاداتی داشت که آنها را با کلمات موجود نمی‌توانست بیان نماید و لذا برای این مفاهیم کلمات خاصی ساخته بود به عنوان مثال وی از کلمه حرمت برای اذانی که خانم‌ها می‌گویند و از کلمه دولاب‌دار

قطعه سازند و برادرش که خواجه است قصد دارد آلت تناسلی او را قطع و به خودش وصل نماید. چند سال پیش نیز پدرش را بعد از مرگ قطعه قطعه کرده و اعضاء بدنش را فروخته‌اند. بیمار اظهار می‌داشت طرحی نو دارد که چنانچه اجرا شود باعث اشتغال مادران و امتهات خواهد شد. هر چند نمی‌توانست جزئیات این طرح را عنوان نماید، ذکر نمود مادرهایی که دارای سواد کم می‌باشند، مثل بانو احترام شوند یعنی به جای آقایان که اذان می‌گویند، خانم‌ها حرمت بگویند و دولاب‌دار احوال شوند یعنی به جای آقایان خدام مسجد شوند.

وی بارها در بخش از پزشکان مختلف خواسته بود با مادرش ازدواج کرده، پدرش شوند. در خصوص علت معادل‌سازی واژه‌ها نتوانست توضیح قانع‌کننده‌ای ارائه دهد و تنها اشاره کرد اگر بانوان از کلمه خانم ناراحت می‌شوند می‌توانیم به آنها باُمخ بگوییم. سؤال شد چگونه این طرح‌ها به ذهنش می‌آید؟ پاسخ داد اجتناب‌ناپذیر است برای این که امنیت خود را به دست آورم باید این طرح‌ها را پیشنهاد کنم ولی توضیح بیشتری نتوانست ارائه نماید. در خصوص این که آیا می‌خواهد طرح‌هایش را به اطلاع عموم برساند، اظهار داشت خود بزرگ بینی ندارم و افزود وقتی من اصطلاحات حقوقی به کار می‌برم به علت این که دیگران سطح تحصیلات پایینی دارند فکر می‌کنند اشتباه می‌گویم و مرا به روانی بودن متهم می‌سازند. از وی پرسیده شد آیا می‌تواند برای هر کلمه معادل‌سازی نماید؟ به عنوان مثال چند کلمه ساده مطرح شد و از وی خواسته شد اگر ممکن است برای آنها معادل‌سازی نماید. پاسخ منفی داد. در ضمن چند مرتبه معادل کلمات مختلفی را که معادل‌سازی کرده بود پرسیده شد که همیشه به یک صورت پاسخ داد. از نظر معاینه وضعیت روانی، ظاهری آراسته و مطابق عرف جامعه داشت و با دقت و تفصیل به سؤالات پاسخ می‌داد. خلق و عاطفه و فعالیت سایکوموتور طبیعی بود.

در فرم فکر حاشیه‌پردازی و گسستگی تداعی‌ها به چشم می‌خورد. در محتوای فکر، هذیان‌گزند و آسیب که گاهی خصوصیات عجیب (Bizarre) داشت و هذیان بزرگ منشی و تفکر انتزاعی وجود داشت. از نظر گفتار، شمرده و با لفظ قلم (Stilted speech) صحبت می‌نمود. استفاده از کلمه‌های خود ساخته (Neologism) و استفاده نابجای از کلمات مکرراً مشاهده می‌گردید. این کلمات حتی‌الامکان استخراج و مورد بحث قرار گرفت. حافظه فوری، نزدیک و دور و همچنین جهت‌یابی به زمان، مکان و شخص طبیعی بود. قضاوت بیمار دچار اختلال بوده و بینش نسبت به بیماری خود نداشت.

تاریخچه مثبت خانوادگی برای بیماری‌های روانی و همچنین

جدول ۱: نمونه‌ای از کلمات با مفهوم خاص که با یک معنی شخصی توسط بیمار به کار برده می‌شد

ردیف	کلمه	معادل استفاده شده توسط بیمار
۱	ایران	کهن دژ
۲	اساس	همایونی
۳	اداره	دارالسلام
۴	پرونده	تراژدی
۵	تهران	مهران
۶	حاجیان	داعیان
۷	خواستگاری	مهمانی
۸	خاله	ژاله
۹	دولت	تقویم
۱۰	سروان	فیلسوف
۱۱	سفیر	خاقان
۱۲	شعبه	حبوط
۱۳	عنه	کادو
۱۴	عمو	کیوان
۱۵	فراری	شاکی
۱۶	قانون	یومیه
۱۷	مجلس	زمستان
۱۸	مسجد	اهواز
۱۹	مقام	اهورامزدا
۲۰	والده	جسیله
۲۱	وزیر	فصیح

(Neologistic-Paraphasia) نامیده می‌شود (۵). به علاوه استفاده نابجا از کلمات می‌تواند جملات را نامفهوم سازد که اصطلاحاً پارافازی ادبی (Literal paraphasia) نامیده می‌شود (۱۰). در بیمار معرفی شده پارافازی با هر دوی این تعابیر فوق وجود داشت. با تجزیه و تحلیل کلمات ساخته شده توسط بیمار مطالب دیگری نیز مشخص گردید. در زبان فارسی برای یک شغل کلمات مؤنث و مذکر به تفکیک وجود ندارند ولی در مواردی بیمار برای افراد مؤنث و مذکر با یک شغل دو کلمه ساخته بود. به عنوان مثال برای پرستار زن، واژه تیمورث و برای پرستار مرد واژه تیمور را بکار می‌برد. برای پزشک مرد واژه طیب و برای پزشک زن واژه طویی را استفاده می‌نمود. واژه‌های بهرام و بتول را برای تبعیدی مرد و زن و قاجار و قچاوند را برای دارو فروش مرد و زن، مردینه و دُرَدانه را برای مرد سالم و زن سالم و... به کار می‌برد.

احوال برای خانم‌هایی که قرار است به جای آقایان خدام شوند استفاده می‌نمود. این کلمات ساخته شده با دلایلی که در منابع معتبر روانپزشکی برای نئولوژیسم مطرح شده است هماهنگی دارد (۴، ۱۰، ۱۱).

دوم: بیمار برای کلماتی که در فرهنگ زبان فارسی معنای خاصی دارند، کلمات معادل دیگری که در فرهنگ زبان معنایی نداشتند، ساخته بود به عنوان مثال می‌توان به کلمه تصدق‌البدیر به جای دعوت‌نامه، تیمورث به جای پرستاری زن، بی‌طعطمه به جای کلمه عمومی، مُجانقه به جای کلمه ازدواج، جَلَل به جای تولد، دُهدَف حَکَمی به جای حقوق قضایی و رُهدفیه به جای مَفننه می‌توان اشاره نمود. در حدود ۳۳ کلمه از این نوع در گفتار و نوشتار فرد شناسایی شد. این کلمات واژه‌های جدید و بی‌معنا هستند اما دلیل پیدایش آنها مانند گروه قبل با تعابیر متون معتبر روانپزشکی توجیه نمی‌گردد. بیمار واژه اصلی را به خوبی می‌دانست و گاه واژه خود ساخته را به همراه واژه اصلی به کار برده و بین آنها از حرف اضافه «یا» استفاده می‌نمود.

سوم: بیمار از کلماتی که مفهوم خاصی داشتند با یک معنی شخصی استفاده می‌نمود و چنانچه خود راجع به جمله ساخته شده توسط این واژه‌ها توضیح نمی‌داد از نظر شنونده بدون مفهوم بود. تقریباً ۸۵ کلمه از این نوع در گفتار و نوشتار بیمار شناسایی شد در جدول ۱ نمونه‌هایی از این کلمات آورده شده است. این نوع استفاده شخصی از کلمات در مقالات دیگر نیز توضیح داده شده است (۱۰). آنچه از نوشتار و گفتار بیمار بر می‌آید بیمار هذیان‌های خاصی در رابطه با ازدواج و مسایل اقتصادی و سیاسی داشته و تنها برای عقاید هذیانی خود از واژه‌های خود ساخته و استفاده نابجا از کلمات استفاده می‌نمود و در بقیه موارد از استفاده از کلمات فوق خودداری می‌نمود. بیمار این واژه‌ها را همیشه به یک صورت به کار می‌برد و در چندین مصاحبه صورت گرفته هیچ وقت اشتباهی مرتکب نشد و لذا به نظر می‌رسد بیمار دچار به هم ریختگی واژه‌ها (Words salad) نمی‌باشد. صحبت وی به طور کلی لفظ قلم بود که در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا توضیح داده شده است (۱). شاید استفاده از گفتار لفظ قلم با اصرار بیمار برای بیان عقاید هذیانی خود با واژه‌های جدید و استفاده نابجا از واژه‌ها، بی‌ارتباط نباشد. توضیح داده شده است که گاهی بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا از کلمات یا عبارات غیر قابل انتظار استفاده می‌نمایند (۸) اما جزئیات دقیق‌تر شرح داده نشده است.

نئولوژیسم می‌تواند صحبت و نوشتار بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا را نامفهوم سازد که پارافازی ناشی از نئولوژیسم

یک نوع اختلال زبانی که توسط ماهر (Maher) در سال ۱۹۷۲ در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا گزارش شده است ساختن کلمات جدید با بخش اول کلمات دیگر است (۷). نمونه‌هایی از این اختلال در این بیمار مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال واژه طبیب را برای پزشک مرد مورد استفاده قرار می‌داد و به نظر می‌رسد استفاده از واژه طوبی برای پزشک زن بدون ارتباط با بخش اول واژه قبلی نباشد. بیمار تمام کلماتی را که مربوط به دارو بود از کلمه قجر گرفته بود و هر چند که به غیر از یک کلمه بقیه کلمات معنای مخصوص خود را داشتند به نظر می‌رسد بخش اول کلمه قجر در استفاده از کلمات دیگر بی‌تأثیر نبوده است [قجر (دارو)، قاجاریه (داروخانه)، قجاوند (داروفروش زن)، قاجار (داروفروش مرد)].

نئولوژیسم یکی از اختلالات غیر شایع در تفکر و گفتار بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا می‌باشد و اکثر مثال‌ها از تعداد محدودی لغت تجاوز نمی‌نماید (۱). تعداد معدودی گزارش از بیماران مبتلا به نئولوژیسم در دسترس می‌باشد. با جستجویی که در مقالات منتشره تا سال ۱۹۹۷ از طریق Med-line صورت گرفت تنها می‌توان به مقاله لوین (Levine) و کنراد (Conrad) در سال ۱۹۷۸ اشاره کرد (۶). بیمار معرفی شده دچار نئولوژیسم و اختلالات دیگر گفتاری همزمان بود و به نظر می‌رسد از جمله موارد نادر اسکیزوفرنیا با اختلالات گفتاری باشد. هیچ تئوری جامعی برای توضیح اختلالات زبان و گفتار در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا ارائه نشده است. شاید علت آن کمی موارد این گونه بیماران باشد. هر چند تئوری‌های موجود گوشه‌ای از اختلالات گفتاری این بیماران را توجیه می‌کند اما در توضیح برخی جنبه‌های دیگر آن نارساست. امید است با مطالعات بیشتر نکات تازه‌ای در ارتباط با اختلال گفتاری این بیماران روشن شود.

بیمار برای این نوع واژه‌سازی خود نتوانست توضیحی ارائه نماید اما تأثیر زبان عربی که بیمار بدان آشنایی داشت بر روی زبان مادری وی که ممکن است بدون اراده صورت گرفته باشد می‌تواند توضیح این اختلال گفتاری باشد. چایکا (Chaika) در سال ۱۹۹۰ اظهار داشت اختلال گفتار در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا یک اختلال در ترکیب‌بندی جملات نمی‌باشد و بیشتر شبیه لغزش‌های زبانی شدید و متنوع است ولی نوع لغزش در کنترل صحبت و اراده می‌باشد (۲). موریس (Morice) در سال ۱۹۹۵ نشان داد هر چه ترکیب بندی کلمات پیچیده‌تر باشد صحبت کردن دچار خطای بیشتری می‌شود (۹). ورود مزاحم کلمات یا معانی توسط چاپمن (Chapman) در سال ۱۹۶۴ نیز توضیح داده شده است. وی عنوان نمود بعضی از کلمات دارای چند معنی هستند که یکی از آنها معنی غالب کلمه می‌باشد. گاهی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا وقتی که نیاز به استفاده از معانی دیگر کلمه وجود دارد معنی غالب به صورت مزاحم جایگزین معانی دیگر می‌گردد (۳). مثالی از تفسیر چاپمن در یکی از نامه‌های این بیمار مشاهده می‌گردد. بیمار هنگام نوشتن از صنعت مادر، از مفهوم غالب کلمه مادر استفاده می‌نمود و نوشته بود برای ما تفاوتی ندارد که مادران انگلیسی یا چینی به کشور ایران تکنولوژی و صنایع مادر اعطاء نمایند و یا مادران آمریکایی. جناس‌سازی نیز در نوشتار و گفتار بیمار مشاهده گردید. به عنوان مثال کلمه طوبی یک مرتبه به جای کلمه نصرت و یک مرتبه به جای پزشک زن مورد استفاده قرار گرفت. گاهی برای یک کلمه از دو یا چند کلمه شخصی استفاده می‌کرد. به عنوان مثال برای کلمه مسجد، از دو کلمه اهواز و سمنان استفاده می‌کرد و به جای کلمه زندان از دو کلمه مزدک و شعیب استفاده می‌نمود.

Summary

Report of an Extensive Speech Disorder in a Paranoid Schizophrenic Patient

A.R. Ghaffari Nejad, MD¹

1. Assistant Professor of Psychiatry, Kerman University of Medical Sciences and Health Services, Kerman, Iran

Neologism and private usage of stock words have long been considered as uncommon disorders of schizophrenic thought and speech. However, a review of current literature and psychiatric textbooks reveals few clinical examples. In this article a paranoid schizophrenic patient with extensive speech disorder, has been presented and his neologistic production, private meaning of stock words and other speech abnormalities have been discussed.

Journal of Kerman University of Medical Sciences, 1999; 6(4): 235-240

Key Words: Paranoid schizophrenia, Neologism, Speech disorder

References

1. Carpenter JRW and Buchanan RW. Schizophrenia. In: Kaplan HI and Sadock BJ (Eds). Comprehensive textbook of psychiatry. 6th ed, Baltimore, william, wilkins, 1995; pp889-1018.
2. Chaika E. On analyzing schizophrenic speech: what model should we use? In: Sims ACP (Ed.). Speech and Language Disorders in Psychiatry. London, Gaskell, 1995.
3. Chapman LJ, Chapman JP and Daut RL. Schizophrenic inability to disattend from strong aspects of meaning. *J Abnormal Psychology* 1976; 85: 35-40.
4. Gelder M, Gath D, Mayou R and Cowen P: Oxford textbook of psychiatry. 3rd ed., Oxford, Oxford university press, 1996.
5. Grebb JA. Neursciences. In: Kaplan HI and Sadock BJ (Eds). Comprehensive textbook of psychiatry. 6th ed. Baltimore, william, wilkins, 1995; pp1-166.
6. LeVine WR and Conrad RL. The classification of schizophrenic neologisms. *Psychiatry* 1979; 42(2): 177-181.
7. Maher BA. The language of schizophrenia: A review and interpretation. *Br J Psychiatry* 1972; 120: 3-17.
8. Manschreck TC, Maher BA, Rucklos ME and White MT. The predictability of thought disordered speech in schizophrenic patients. *Br J Psychiatry* 1979; 134: 595-601
9. Morice R. Language impairments and executive dysfunction in schizophrenia. In: Sims ACP (Ed.). Speech and Language Disorders in psychiatry. London, Gaskell, 1995.
10. Sims A: Symptoms in the mind. 2nd ed. London, W.B. Saunders co, 1995; pp156-171.
11. Strauss GD. Diagnosis and psychiatry: examination of the psychiatric patient. In: Kaplan HI and Sadock BJ (Eds). Comprehensive text book of psychiatry. 6th ed., Bultimore, william, wilkins, 1995; pp521-636.